سیده فاطمه سادات کیایی نفر اول از سمت چپ، شهیده فرشته افشردی نفر دوم

برای رفیق شهیدم فرشته افشردی (باقری)

می‌گفت دلم می‌خواهد مانند عمویم شوم

هیچ‌گاه از دختر سرلشکر باقری بودن استفاده‌ای نکرد

■ صغری خیل‌فرهنگ

قرارمان این نبود فرشته‌جان! قرارمان با هم نوشتن از خانواده‌های شهیدان و برای شهدا بود. قرارمان همراهی در رفتن به خانه‌های شهدا بود و تو چقدر ذوق داشتی برای حضور در جمع خانواده شهدا و برای گفت‌وگوهای حضوری! دیدار پیشکسوتان دفاع‌مقدس با امام‌خامنه‌ای را یادت است!؟ نشستیم کنار هم و از شهدا گفتیم. میان حرف‌هایت چشمم به بابا بود، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح. همان روز دیدار هم می‌توانستی بروی و در همان ردیف اول بنشینی اما سادگی و تواضعت نمی‌گذاشت. اگر غیر از این رفتار می‌کردی، به فرشته بودنت شک می‌کردم. تو با اخلاق و رفتارت به مفهوم آقازادگی، معنای دیگری بخشیدی. می‌توانستی در همان محل کار خود هم سمت بالاتری بگیری اما نوشتن برای شهدا و خادمی شهدا و خانواده‌های آنان را بر هر سمت و مقامی دیگر ترجیح دادی. اما امروز می‌خواهم برایت از شهادت بنویسم، با هر کلمه این نوشتار، اشک ریختم و به عاقبتی که نصیبت شد، غبطه خوردم. فرشته‌جان! می‌خواهم از تو بنویسم و چقدر سخت است از تو نوشتن، شهادتت برای من که تورا از نزدیک می‌شناختم سخت‌تر است اما می‌دانم که خودت هم این نوشته را می‌خوانی. وای بر ما که چون تویی را از دست دادیم و کاش بدانی که چقدر دشوار است که بنویسم این نوشتار تقدیم می‌شود به ساحت همکار شهیدم خادم‌الشهدا فرشته افشردی... که همراه پدرومادر عزیزش آسمانی شد.

سیده فاطمه سادات کیایی، همکار شهیده فرشته افشردی

■ **فرشته افشردی، برادرزاده شهید غلامحسین افشردی**

چهارسالی می‌شد که فرشته را می‌شناختم. در این چهار سال، هر روز ساعت‌های زیادی را در کنار هم زندگی کردیم. اولین خاطره من به ورود ایشان به خبرگزاری دفاع مقدس برمی‌گردد. همان روزی که همراه سردبیر به قسمت تحریریه خواهران آمدند. سردبیر ایشان را معرفی کردند، خانم فرشته افشردی... وقتی نام افشردی را شنیدم، بی‌درنگ ذهنم به سمت شهید غلامحسین افشردی، (معروف به حسن باقری) رفت. به‌خاطر فعالیتم در حوزه ایثار و شهادت، این شهید را خوب می‌شناختم. او چهره شناخته شده‌ای بود. همانجا احتمال دادم فرشته باید نسبتی با او داشته باشد. روزها گذشت اما فرشته هیچ‌گاه از نسبتش با شهید افشردی و پدرشان برای ما صحبت نکرد. زمان زیادی طول کشید که متوجه شویم، فرشته دختر سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح است. در همه این مدت، فرشته رفتاری غیر معمول که نشان دهد دختر یک فرمانده ارشد نظامی است از خود نشان نداد. بهتر است این طور بگویم که فرشته روز اول آشنایی‌ام، با فرشته لحظات قبل از شهادتش فرقی نکرد.

■ **مانندش را ندیده‌ام**

او بسیار خاکی، ساده و بی‌آلایش بود. من کمتر فردی را مثل او دیده‌ام. شاید بهتر این است که بگویم، تا به حال در همه عمرم هیچ‌کس را مانند او ندیدم. همه خصوصیات رفتاری، کرداری و گفتاری فرشته ساده بود. از پوشش او تا برخوردش و نگاهش با افراد و آدم‌هایی که با آنها ارتباط داشت. همه از نظر او خوب بودند مگر اینکه خلافش ثابت شود. آنهم باز تأمل می‌کرد و حواسش بود که قضاوتی اشتباه در مورد کسی نداشته باشد.

گاهی پیش می‌آمد که بچه‌ها در مورد مسئولان صحبتی می‌کردند اما فرشته در همه مدت و در مقابل همه آن حرف‌ها سکوت می‌کرد و حرفی نمی‌زد. اصلاً این طور نبود که بخواهد ازموضع بالا پاسخی بدهد یا گله‌ای بابت شنیدن این حرف‌ها داشته باشد، تنها جمله‌ای که فرشته گاهی بر زبان می‌آورد، این بود: «بچه‌ها همه که مثل هم نیستند.»

> این جمله از شهید حاج قاسم سلیمانی است که می‌فرماید: «برای شهید شدن، باید شهیدانه زیست.» به جرئت می‌توانم بگویم که فرشته شهیدانه زندگی کرد. آن پاکی، سادگی زلالی و اخلاص در عمل را ما تنها در وجود او دیدیم. بدون ذره‌ای اغراق می‌گویم در این مدت هر چه از شهدا شنیده و برای‌شان نوشته‌ام را در وجود او دیدم

■ **من ترک زبانم**

افشردی اصالتاً اهل افشرد آذربایجان و ترک بود. او خیلی به ترک بودنش افتخار می‌کرد و می‌گفت: «من ترک زبان هستم.» گاهی به شوخی می‌گفتم؛ فرشته با دانستن چند جمله ترکی که آدم ترک محسوب نمی‌شود، تو تهرانی هستی! می‌گفت: نه من ترک هستم و این اصالتم را دوست دارم.

■ **خالص و متواضع**

آنچه در خلقیات شهیده فرشته افشردی بیش از هر خصلت دیگری خودش را بروز می‌داد، این بود که او هیچ وقت نامی از پدرش به میان نیاورد. گاهی می‌توانست از این عنوان و نام بهره ببرد یا از امتیازی برخوردار شود اما هرگز این کار را نکرد. همیشه هم حرفش این بود که چرا دیگران فکر می‌کنند چون پدرم مسئولیت دارد من با دیگران فرق دارم ؟! من یک فرد عادی هستم و چرا دیگران گاهی با من عادی برخورد نمی‌کنند. گاهی دوستانی که او را می‌شناختند، حساسیت‌هایی نسبت به ایشان از خود نشان می‌دادند که او را ناراحت می‌کرد. همه این کنش‌ها، ادا نبود. این طور نبود که بخواهد ادای تواضع رادر بیاورد، نه! تواضع و فروتنی در ذات او بود. به نظرم همین خلوص و تواضع فرشته بود که شهادت را نصیبش کرد.

■ **آقازاده شهید**

باید بگویم که فرشته معنا و مفهوم جدیدی به آقازادگی داد. ما خیلی می‌شنویم که فرزندان مسئولان اینگونه‌اند یا آنگونه رفتار می‌کنند یا از شرایط و سمت پدر و خانواده‌شان سوءاستفاده می‌کنند اما این به هیچ عنوان در مورد فرشته صدق نمی‌کرد. فرشته نمونه بود و هیچ نسبتی با آقازادگی و شنیده‌های ما در مورد آقازاده‌ها نداشت.

■ **پای ثابت معراج شهدا**

فرشته ارادت خاصی به شهدا داشت. برای همین فعالیت و قلم فرسایی در این عرصه را نیز انتخاب کرد. خوب به یاد دارم اولین باری را که به معراج آمد. خیلی تحت تأثیر حال‌وهوای معراج قرار گرفته بود. اصلاً شد یک پای ثابت معراج شهدا. من متوجه حالات و عشق او به معراج شدم. حقیقت این است که او نمک گیر معراج شده بود. گاهی که در معراج برنامه بود، مرخصی می‌گرفت که بتواند بدون هیچ چون و چرایی خودش را به مراسم وداع با شهدای معراج برساند. اگر مأموریت کاری هم برای حضور در معراج شهدا داشت، آن روز مأموریت نمی‌زد و از مرخصی‌هایش استفاده می‌کرد. حتی از هزینه‌های خبرگزاری هم برای ترددش به معراج استفاده نمی‌کرد. تقریباً همه همکاران این شاخصه را در شهیده فرشته افشردی به مراتب دیده‌اند، وقتی از او پرسیده می‌شد چرا برگه مأموریتش را تحویل خبرگزاری نمی‌دهد، می‌گفت، من برای عشق و علاقه خودم به معراج رفته‌ام و نمی‌خواهم از پول خبرگزاری استفاده کنم. گاهی اوقات که کارش بیشتر از معمول طول می‌کشید و بعد از ساعت مقرری درِ خبرگزاری می‌ماند، می‌رفت ساعت خروجش را ثبت می‌کرد و مجدداً به کارش در تحریریه ادامه می‌داد. نمی‌خواست آن زمانی که مانده برایش اضافه کاری حساب شود. فرشته این نکات ریز را خیلی رعایت می‌کرد.

■ **با شهادت شناخته شد**

گاهی هم میان همکلامی‌های روزانه‌مان از شهادت صحبت می‌کرد و می‌گفت، دلم می‌خواهد مانند عمویم شوم. الگوی فرشته در زندگی عمویش بود. این‌طور نبود که بخواهد دائم از عمویش بگوید نه! اصلاً این‌طور نبود. اما ما می‌دانستیم منش و رفتار او برخواسته از خصوصیات شهید افشردی است و حالا او خودش الگویی برای نسل جوان شد. فرشته بی‌نام و نشان وارد این کار شد و در مدتی هم که در این عرصه فعالیت می‌کرد، خیلی کم دوستان خبرنگار ایشان را می‌شناختند و می‌دانستند که پدرشان کیست. آدم شناخته شده‌ای نبود و در گمنامی و مظلومیت خادم‌الشهدا ماند و برایشان نوشت اما خدا بار دیگر ثابت کرد، عزت دست اوست و به هر که بخواهد می‌دهد. حالا با شهادتش نامش سر زبان‌ها افتاده و شناخته شد.

■ **شهیدانه زیست**

این جمله از شهید حاج قاسم سلیمانی است که می‌فرماید: «برای شهید شدن، باید شهیدانه زیست.» به جرئت می‌توانم بگویم، فرشته شهیدانه زندگی کرد. آن پاکی، سادگی، زلالی و اخلاص در عمل را ما تنها در وجود او دیدیم. بدون ذره‌ای اغراق می‌گویم که در این مدت هر چه از شهدا شنیده و برایشان نوشته‌ام را در وجود او دیدم. از دوستان نزدیک ایشان سؤال کنید هم بر این جمله صحت می‌گذارند. او از دختر سرلشکر باقری بودن استفاده نکرد و به روی کسی نیاورد که من که هستم، نه در رفتار و در مناسبات کاری. ارتباط با حوزه‌ها و هماهنگی سوژه‌ها و مصاحبه‌ها کار سختی است که پیگیری و همت بالا را می‌طلبد، او می‌توانست با عنوان کردن رابطه و نسبتش با شهید باقری خیلی زود به آنچه می‌خواهد درحوزه کاری دست پیدا کند اما هرگز تحت هیچ شرایطی این کار را انجام نداد. او خودش را همراه و هم سطح ما می‌دانست و گاهی آنقدر خضوع داشت که خودش را پایین‌تر از ما فرض می‌کرد. همه‌اش دلش می‌خواست با ما باشد و می‌گفت من هم سطح شما هستم. و این را بارها خواست برای ما جا بیندازد که با ما فرقی ندارد. اما ما گاهی که به مسئولیت پدرش اشاره می‌کردیم، می‌گفت نه شما من را این‌طور نبینید.

■ **یک دختر جوان امروزی**

فرشته شبیه خیلی از دخترهای همین دوره و زمانه بود. زبان انگلیسی را خیلی خوب می‌دانست. علاقه به دیدن فیلم‌های کره‌ای داشت اما از آن طرف هم به آثار شهید مطهری علاقه نشان می‌داد و بسیار کتابخوان بود. دوره‌های استاد غلامی را گذرانده بود. شهیده فرشته افشردی در عین حالی که یک دختر جوان امروزی بود، به ابعاد معرفتی و اخلاقی و ایمانی‌اش بسیار توجه می‌کرد و آن را پرورش می‌داد.

■ **شهادت به دست شقی‌ترین‌ها**

در مورد واکنش فرشته به اتفاقات غزه هم باید برای‌تان بگویم. او بسیار ناراحت وضعیت مردم در غزه بود و بارها استوری می‌گذاشت و از جنایاتی که رژیم صهیونیستی نسبت به مردم غزه انجام می‌داد، غصه می‌خورد. واقعاً با آن روحیه لطیفی که داشت دلش می‌خواست کاری انجام بدهد. بارها درمورد غزه نوشت. اما چه کسی می‌دانست که او نهایتاً خودش هم شهید راه آزادی قدس می‌شود و به دست غاصبان صهیونی، به دست شقی‌ترین‌ها به شهادت می‌رسد.

■ **خبرهای تلخ ۲۳ خرداد**

در پایان باید از خبر شهادت‌ها در روز ۲۳ خرداد برای‌تان روایت کنم. از آن لحظات سختی که برای ما به تلخی گذشت. وقتی خبر شهادت سرلشکر باقری را شنیدیم، به فرشته پیام دادم که کجایی؟ از خودت به ما خبر بده! نگرانت هستیم. چند بار هم تماس گرفتم و امید داشتم اتفاقی برای خانواده نیفتاده باشد و نهایتاً کمی که گذشت، خبر شهادت فرشته هم رسید و همه ما را متأثر کرد. هرچند او لیاقت شهادت را داشت. خوشحالم برای این عاقبت به‌خیری که نصیب او شد اما جای خالی او در کنار دوستان واقعی‌اش، با هیچ چیز دیگری پر نمی‌شود. برای ما حیف شد که چون اویی را از دست دادیم. او جایگاه خوبی دارد و تنها امیدواری من این است که ما را در آن دنیا شفاعت کند و هوای ما را داشته باشد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۴۲

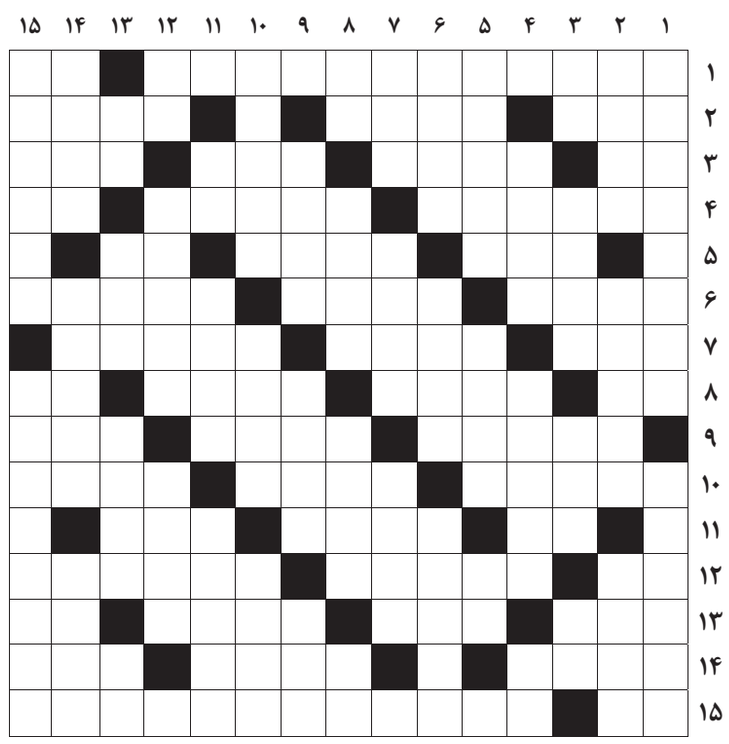

از راست به چپ

■ ۱- از جاذبه‌های گردشگری اصفهان- بز کوهی ■ ۲- نخست- زعفران- پول‌پرست ■ ۳- باران اندک- اسلحه شمشیربازی- عزل- ماده آسفالت ■ ۴- دستاویز- نوعی برادر و خواهر- ترمز چهارپا ■ ۵- شش- قوس- شکم‌بند طبی ■ ۶- روشنی- متضاد خطا- کاسه بزرگ مسی ■ ۷- جمله قرآنی- سودمند- نوعی بورس و برنج ■ ۸- سرای مهر- پرتابه ورزشی- دنباله فشنگ- حرف هشتم انگلیسی ■ ۹- خرج متفرقه در تهران- واحد مکالمات تلفن- التهاب سیاسی و اجتماعی ■ ۱۰- مظهر فریب- سبیل- سوره ۱۹ قرآن ■ ۱۱- واحدی برای انسان- فرستاده شده- رود جیحون ■ ۱۲- تصدیق ایتالیایی- ژاندارمری سابق- ضدعفونی شده ■ ۱۳- نوعی بستنی- سرسرا- از دین برگشته- مایه حیات ■ ۱۴- دردها- درختی با برگ‌های پهن- دختر انگلیسی ■ ۱۵- بخار دهان- کشوری در غرب آسیا

از بالا به پایین

■ ۱- مربای عصاره میوه- گناهکار ■ ۲- همسر دوک- شاگرد استاد- بی توجه و بی‌خیال ■ ۳- نقش تئاتری- آبراهه- بام دنیا- بله آلمانی ■ ۴- مادر عمار- الهه شکار یونان باستان- حرف همراهی عرب ■ ۵- مترسک جالیز- مهاجم افریقایی لیورپول انگلیس- ابر پایین آمده ■ ۶- فرز و زرنگ- زردآب- درخور ■ ۷- هرز دادن- شیخ‌نشینی در خلیج فارس- الفبای نابینایان ■ ۸- ضمیر اشاره- خاکستر- ولگردی- گفت‌وگو اینترنتی ■ ۹- حنا- وزیر خارجه اسبق امریکا- قربانگاه حاجیان ■ ۱۰- ترازنامه- سریع‌ترین دونده جهان- شهری نزدیک کاشان ■ ۱۱- تکرار حرفی- تنها- دلشوره و اضطراب ■ ۱۲- اندوه- یکتا- ادامه‌دار ■ ۱۳- سفید آذری- صدا و آواز- قتل سیاسی- یار گفت ■ ۱۴- قلوه- دیده در طلب لعل... خون شد- واحد طول در انگلستان تقریباً ۹۲ سانتی متر ■ ۱۵- از آثار معروف شکسپیر- نوعی لوبیا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹					۴			
						۳		۷
۶					۹			
						۲	۴	۸
			۶	۲				
	۷	۵						
	۸		۲	۹				۵
				۳			۸	۶
	۱						۷	

۶	۸	۹	۷	۲	۱	۴	۳	۵
۴	۷	۱	۸	۳	۵	۹	۶	۲
۲	۳	۵	۴	۹	۶	۱	۷	۸
۹	۱	۴	۳	۶	۷	۸	۲	۵
۷	۶	۳	۱	۸	۴	۲	۵	۹
۸	۵	۲	۹	۵	۲	۶	۴	۱
۱	۴	۶	۲	۷	۸	۳	۹	۷
۳	۹	۷	۶	۱	۳	۵	۸	۴
۵	۲	۸	۵	۴	۹	۷	۱	۶

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۳۳۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	غ	ا	ف	ر	■	س	پ	ر	د	ه	■	ب	ا	ز	ل
۲	ی	س	ر	■	ا	م	ی	د	و	ا	ر	■	ب	ر	د
۳	ب	د	■	ک	ر	و	ر	■	ن	ر	م	ش	■	د	ن
۴	ت	■	چ	ز	ا	م	■	ه	■	ت	ا	ی	ب	■	ی
۵	■	ر	س	ا	م	■	ا	ل	ف	■	د	و	د	ی	■
۶	ف	ا	ی	ز	■	ت	ج	و	ی	ز	■	ا	م	و	ت
۷	ر	ز	م	■	ب	ش	ر	■	ش	ر	ک	■	ن	ن	ر
۸	خ	د	■	ل	ک	ن	ت	ی	■	ا	ل	ی	■	ی	خ
۹	و	ا	ک	■	ر	گ	■	م	ک	ف	ی	■	ر	ف	و
۱۰	ن	ر	ا	ق	■	ی	م	■	ا	ه	■	ه	و	ر	ن
۱۱	■	ی	ر	ا	ق	■	خ	ی	ر	■	د	م	ا	م	■
۱۲	س	■	ت	ق	د	م	■	ک	■	م	ر	ز	ه	■	ت
۱۳	و	ک	■	م	س	ی	ح	■	ح	س	ن	ه	■	س	ب
۱۴	د	ر	م	■	ی	و	ز	پ	ل	ن	گ	■	ر	ی	ح
۱۵	ا	م	ی	ن	■	ه	م	د	ا	ن	■	ج	ا	ب	ر